

با یادی از مرحوم حمید دادفر

روزنامه تربیت ۱۳۲۵-۱۳۱۴ هـ ق

از ایام جوانی و ناپختگی، تصور و باورم بر این بود که کاری را که شروع کرده‌ام، دیگری را توان آن نیست که به فرجام رساند و تصور عبث و باطلی بود. شاید این باور بر آن بود که همیشه با تغییر فرد یا مدیری کارها به بوته فراموشی سپرده می‌شد و فرد جدید یا مسؤؤل جدید در پی کار و برنامه دیگری بود و از این روی این باور یا من بود تا آنکه به فکر احیاء روزنامه‌های قدیمی که به نوعی میراث مکتوب پیشینیان بود افتادم.

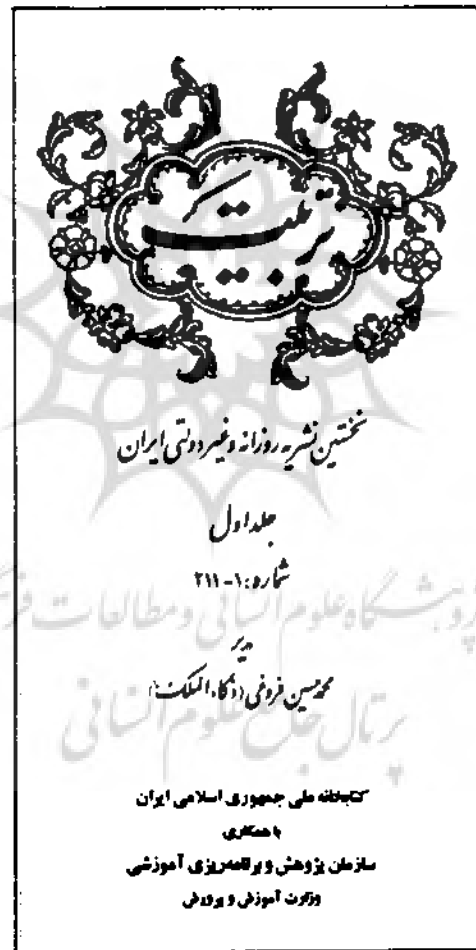
طرح اولیه به منظور تهیه مجموعه شماره‌های منتشره از نشریات قدیم برای نخستین بار در ایران و چاپ و نشر آن جهت استفاده عموم پژوهشگران و محققان و دانشجویان تهیه و برای تأیید به ریاست وقت محترم کتابخانه ملی ایران ارائه کردم و با اندکی جرح و تعدیل که توأم با سماجت و پیگیری بود به تصویب رسید و پس از آن احیاء روزنامه‌ها در دستور کار انتشارات کتابخانه ملی قرار گرفت و از ۱۳۷۰ تا این تاریخ:

نخست روزنامه دولت علیه ایران در ۲ مجلد، روزنامه وقایع اتفاقیه در ۴ مجلد، روزنامه ایران در ۵ مجلد که از روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۳۶۷ ق.) تا روزنامه ایران (۱۳۲۰ ق.) در ایران منتشر شده‌اند و روزنامه انجمن تبریز در ۲ مجلد که مربوط به ایام مشروطه بود و پس از آن روزنامه تربیت و روزنامه ایران سلطانی و نشریاتی چون شکوفه و دانش (نخستین نشریه‌ها در عالم زنان) پی در پی به زیر چاپ رفتند.

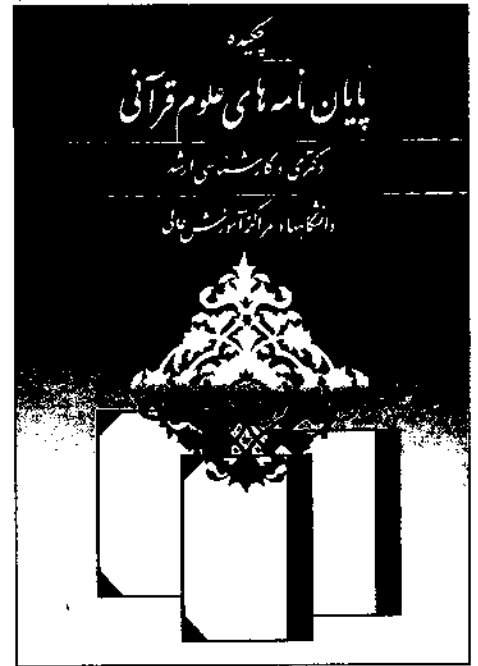
من هنوز بر باور اصلی خود بودم چه در آغاز ۲ نفر بودیم و آقای رحمانی رئیس و من مرنوس و کلی کارهای چاپی مانده از سال‌های قبل در چاپخانه که می‌یابستی منتشر شوند و کار احیاء میراث مکتوب هم بر آنها اضافه شده بود. با پیوستن همکاران دیگر از ناظر فنی چاپ، منشی، مسؤؤل فروش، راننده و خدمتگذار به این جمع دو نفره ناگهان به ۲۰ نفر رسیدیم و در سال ۲۰ تا ۲۵ جلد کتاب (هر روز یک جلد) در قطع‌های مختلف و با حجم‌های متفاوت انتشار می‌یافت.

در چاپ یک کتاب دست‌اندرکاران زیادی نقش دارند که در نهایت نام مؤلف به عنوان پدیدآورنده اثر و نام ناشر بعنوان سرمایه‌گذار در کتاب قید می‌شود، صرف‌نظر از نام مؤسسه حروفچینی، لیتوگرافی و چاپخانه و اینکه چه کسانی در شکل‌گیری کتاب نقش اساسی دارند و از آنان گاه به اکراه در مقدمه یا پیشگفتار یاد می‌شود. حروفچینان، کارگران لیتوگرافی و چاپخانه و صحافی که نقش اصلی و اساسی را در مراحل مختلف چاپ برعهده دارند و زحماتی دیگر بر دوش افراد دیگری که به هیچ وجه منظور نظر نیستند و به دور از باورها و

تربیت: نخستین نشریه روزانه و غیردولتی ایران. مدیر محمدحسین فروغی (ذکاءالملک). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۶. جلد اول، شمره ۱-۲۱۱. بها: ۲۸۰۰۰ ریال.



● جمشید کیان فر



در راه‌اندازی و بر پایی موفق سه دوره نمایشگاه بزرگ قرآن کریم در تهران»، خادم قرآن کریم شناخته شد و لوح «تکریم خادمان قرآن کریم» را از دست ریاست محترم جمهوری دریافت کرد. ایشان از آن پس، فعالیت‌های خود را در زمینه قرآن کریم پی‌گرفت و در این جهت به منظور راه‌اندازی مرکزی در زمینه پژوهش‌های قرآنی اقدام به تهیه و تنظیم «چکیده پایان‌نامه‌های قرآنی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی» و نیز تدارک «فهرست مقالات قرآنی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران» نمود که کتاب اول همزمان با «پنجمین نمایشگاه بزرگ قرآن کریم در تهران» به زیور چاپ آراسته گردید و در اختیار محققان و پژوهشگران و علاقه‌مندان علوم قرآنی قرار گرفت. آخرین سمت آن مرحوم معاونت سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و عضویت هیئت علمی آن



سازمان بود و با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز همکاری داشت. آن مرحوم به عنوان فردی خودساخته، در کلیه مسئولیت‌هایی که برعهده گرفت همواره از پشتکار و روحیه خلاقیت خاصی برخوردار بود و همین ویژگی‌ها از جمله علل محبوبیت و پیشرفت ایشان به شمار می‌رفت. □

«تربیت» نخستین نشریه غیردولتی ایرانی است که مدیران و دست‌اندرکاران نشریه توانسته‌اند با افت و خیزهای فراوان از ۱۱ رجب ۱۳۱۴ ق. الی ۲۹ محرم ۱۳۲۵ ق. مجموعاً ۴۳۴ شماره از آن را منتشر کنند و زمینه‌ساز حیات اجتماعی دیگر نشریه‌های غیردولتی و حرفه‌ای شوند.



برگه‌های نشریه «تربیت»	
۱) آشنایی با نشریه «تربیت»	۲) آشنایی با مدیران و دست‌اندرکاران نشریه «تربیت»
۳) آشنایی با نویسندگان نشریه «تربیت»	۴) آشنایی با مجامع و هیئت‌های نشریه «تربیت»
۵) آشنایی با روش‌های نشریه «تربیت»	۶) آشنایی با اهداف و مقاصد نشریه «تربیت»
۷) آشنایی با سوابق نشریه «تربیت»	۸) آشنایی با دستاوردهای نشریه «تربیت»
۹) آشنایی با برنامه‌های نشریه «تربیت»	۱۰) آشنایی با همکاری‌های نشریه «تربیت»
۱۱) آشنایی با تأثیرات نشریه «تربیت»	۱۲) آشنایی با جایگاه نشریه «تربیت»
۱۳) آشنایی با آینده نشریه «تربیت»	۱۴) آشنایی با خاطرات مدیران و دست‌اندرکاران نشریه «تربیت»
۱۵) آشنایی با اسناد و مدارک نشریه «تربیت»	۱۶) آشنایی با کتابخانه‌های نشریه «تربیت»
۱۷) آشنایی با بایگ نشریه «تربیت»	۱۸) آشنایی با فهرست نشریه «تربیت»
۱۹) آشنایی با فهرست نویسندگان نشریه «تربیت»	۲۰) آشنایی با فهرست مجامع و هیئت‌های نشریه «تربیت»
۲۱) آشنایی با فهرست روش‌های نشریه «تربیت»	۲۲) آشنایی با فهرست اهداف و مقاصد نشریه «تربیت»
۲۳) آشنایی با فهرست سوابق نشریه «تربیت»	۲۴) آشنایی با فهرست دستاوردهای نشریه «تربیت»
۲۵) آشنایی با فهرست برنامه‌های نشریه «تربیت»	۲۶) آشنایی با فهرست همکاری‌های نشریه «تربیت»
۲۷) آشنایی با فهرست تأثیرات نشریه «تربیت»	۲۸) آشنایی با فهرست جایگاه نشریه «تربیت»
۲۹) آشنایی با فهرست آینده نشریه «تربیت»	۳۰) آشنایی با فهرست خاطرات مدیران و دست‌اندرکاران نشریه «تربیت»
۳۱) آشنایی با فهرست اسناد و مدارک نشریه «تربیت»	۳۲) آشنایی با فهرست کتابخانه‌های نشریه «تربیت»
۳۳) آشنایی با فهرست بایگ نشریه «تربیت»	۳۴) آشنایی با فهرست فهرست نشریه «تربیت»
۳۵) آشنایی با فهرست فهرست نویسندگان نشریه «تربیت»	۳۶) آشنایی با فهرست فهرست مجامع و هیئت‌های نشریه «تربیت»
۳۷) آشنایی با فهرست فهرست روش‌های نشریه «تربیت»	۳۸) آشنایی با فهرست فهرست اهداف و مقاصد نشریه «تربیت»
۳۹) آشنایی با فهرست فهرست سوابق نشریه «تربیت»	۴۰) آشنایی با فهرست فهرست دستاوردهای نشریه «تربیت»
۴۱) آشنایی با فهرست فهرست برنامه‌های نشریه «تربیت»	۴۲) آشنایی با فهرست فهرست همکاری‌های نشریه «تربیت»
۴۳) آشنایی با فهرست فهرست تأثیرات نشریه «تربیت»	۴۴) آشنایی با فهرست فهرست جایگاه نشریه «تربیت»
۴۵) آشنایی با فهرست فهرست آینده نشریه «تربیت»	۴۶) آشنایی با فهرست فهرست خاطرات مدیران و دست‌اندرکاران نشریه «تربیت»
۴۷) آشنایی با فهرست فهرست اسناد و مدارک نشریه «تربیت»	۴۸) آشنایی با فهرست فهرست کتابخانه‌های نشریه «تربیت»
۴۹) آشنایی با فهرست فهرست بایگ نشریه «تربیت»	۵۰) آشنایی با فهرست فهرست فهرست نشریه «تربیت»
۵۱) آشنایی با فهرست فهرست فهرست نویسندگان نشریه «تربیت»	۵۲) آشنایی با فهرست فهرست فهرست مجامع و هیئت‌های نشریه «تربیت»
۵۳) آشنایی با فهرست فهرست فهرست روش‌های نشریه «تربیت»	۵۴) آشنایی با فهرست فهرست فهرست اهداف و مقاصد نشریه «تربیت»
۵۵) آشنایی با فهرست فهرست فهرست سوابق نشریه «تربیت»	۵۶) آشنایی با فهرست فهرست فهرست دستاوردهای نشریه «تربیت»
۵۷) آشنایی با فهرست فهرست فهرست برنامه‌های نشریه «تربیت»	۵۸) آشنایی با فهرست فهرست فهرست همکاری‌های نشریه «تربیت»
۵۹) آشنایی با فهرست فهرست فهرست تأثیرات نشریه «تربیت»	۶۰) آشنایی با فهرست فهرست فهرست جایگاه نشریه «تربیت»
۶۱) آشنایی با فهرست فهرست فهرست آینده نشریه «تربیت»	۶۲) آشنایی با فهرست فهرست فهرست خاطرات مدیران و دست‌اندرکاران نشریه «تربیت»
۶۳) آشنایی با فهرست فهرست فهرست اسناد و مدارک نشریه «تربیت»	۶۴) آشنایی با فهرست فهرست فهرست کتابخانه‌های نشریه «تربیت»
۶۵) آشنایی با فهرست فهرست فهرست بایگ نشریه «تربیت»	۶۶) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست نشریه «تربیت»
۶۷) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست نویسندگان نشریه «تربیت»	۶۸) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست مجامع و هیئت‌های نشریه «تربیت»
۶۹) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست روش‌های نشریه «تربیت»	۷۰) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست اهداف و مقاصد نشریه «تربیت»
۷۱) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست سوابق نشریه «تربیت»	۷۲) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست دستاوردهای نشریه «تربیت»
۷۳) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست برنامه‌های نشریه «تربیت»	۷۴) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست همکاری‌های نشریه «تربیت»
۷۵) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست تأثیرات نشریه «تربیت»	۷۶) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست جایگاه نشریه «تربیت»
۷۷) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست آینده نشریه «تربیت»	۷۸) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست خاطرات مدیران و دست‌اندرکاران نشریه «تربیت»
۷۹) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست اسناد و مدارک نشریه «تربیت»	۸۰) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست کتابخانه‌های نشریه «تربیت»
۸۱) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست بایگ نشریه «تربیت»	۸۲) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست نشریه «تربیت»
۸۳) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست نویسندگان نشریه «تربیت»	۸۴) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست مجامع و هیئت‌های نشریه «تربیت»
۸۵) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست روش‌های نشریه «تربیت»	۸۶) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست اهداف و مقاصد نشریه «تربیت»
۸۷) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست سوابق نشریه «تربیت»	۸۸) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست دستاوردهای نشریه «تربیت»
۸۹) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست برنامه‌های نشریه «تربیت»	۹۰) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست همکاری‌های نشریه «تربیت»
۹۱) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست تأثیرات نشریه «تربیت»	۹۲) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست جایگاه نشریه «تربیت»
۹۳) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست آینده نشریه «تربیت»	۹۴) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست خاطرات مدیران و دست‌اندرکاران نشریه «تربیت»
۹۵) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست اسناد و مدارک نشریه «تربیت»	۹۶) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست کتابخانه‌های نشریه «تربیت»
۹۷) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست بایگ نشریه «تربیت»	۹۸) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست نشریه «تربیت»
۹۹) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست نویسندگان نشریه «تربیت»	۱۰۰) آشنایی با فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست فهرست مجامع و هیئت‌های نشریه «تربیت»

ویژه‌های دارند. نسخه‌های موجود این نشریه‌ها منابع ارزشمندی برای شناخت اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران معاصر است؛ اما گذشت ایام دسترسی به این مجموعه‌ها را مشکل کرده، زیرا که مجموعه‌ها از دست فرسود ایام بی‌نصیب نمانده‌اند و امروزه جستجو برای یافتن این قبیل منابع تحقیقی به طولانی شدن زمان پژوهش و گاه توقف آن منجر می‌شود، زیرا این قبیل اسناد و مدارک در جرگه اشاعه اطلاعات کتابخانه‌های دولتی یافت نمی‌شود و هنوز در کشور کتابخانه‌ای نیست که مجموعه کاملی از نشریه‌های قدیمی را داشته باشد.

پس اقدام کتابخانه ملی در نشر احیاء میراث مکتوب ستودنی و قابل تقدیر است زیرا از یک طرف برای نخستین بار مجموعه کاملی از نشریات قدیمی را تهیه می‌کند و از سوی دیگر با چاپ و نشر آن به راحتی در اختیار پژوهشگران و محققان و استادان و دانشجویان قرار می‌دهد.

«تربیت» نخستین نشریه غیردولتی ایرانی است که مدیران و دست‌اندرکاران نشریه توانسته‌اند با افت و خیزهای فراوان از ۱۱ رجب ۱۳۱۴ ق. الی ۲۹ محرم ۱۳۲۵ ق. مجموعاً ۴۳۴ شماره از آن را منتشر کنند و زمینه‌ساز حیات اجتماعی دیگر نشریه‌های غیردولتی و حرفه‌ای شوند.

روزنامه «تربیت» که نخستین شماره آن به تاریخ پنجشنبه یازدهم رجب ۱۳۱۴ ه. ق به قطع ۲۱ × ۲۲/۵ در ۴ صفحه به مدیریت فروغی ذکاءالملک و خط میرزا زین‌العابدین ملقب به ملک الخطاطین قزوینی و با چاپ سنگی در تهران انتشار می‌یافت با شماره ۴۳۴ پنجشنبه بیست و نهم شهر محرم الحرام سنه ۱۳۲۵ ه. ق برای همیشه تعطیل شد.

حیات اجتماعی نشریه «تربیت» با افت و خیزها و وقفه‌های کوتاه به شرح ذیل تقسیم می‌شود:
سال اول: مجموعاً ۵۰ شماره از تاریخ ۱۱ رجب ۱۳۱۴ ق الی ۲۹ جمادی الاخری ۱۳۱۵ ق.
سال دوم: ۲۹ شماره از ش ۵۱ - ۱۲۹ به تاریخ ۷ رجب ۱۳۱۵ الی ۵ جمادی الاولی ۱۳۱۶ ق.

لازم به تذکر است که «تربیت» از شماره ۶۸ به تاریخ ۱۱ ذیقعد ۱۳۱۵ ق روزانه منتشر شده و برخلاف نوشته اکثر پژوهشگران که روزنامه «خلاصه الاحداث» را نخستین روزنامه منتشره در ایران می‌دانند، روزنامه «تربیت» نخستین نشریه روزانه ایران است؛ زیرا که نخستین شماره «خلاصه الاحداث» به تاریخ دوشنبه ۱۴ جمادی الاخری ۱۳۱۶ ق نشر یافته، در حالی که

زنده یاد حمید دادفر در ۱۳۲۸ در یکی از محلات جنوب تهران (خیابان مختاری) چشم به جهان فانی گشود. پس از طی مراحل کودکی و نوجوانی در ۲۴ سالگی یعنی سال ۱۳۴۲ از دواج کرد و ثمره این ازدواج ۳ فرزند، ۲ دختر و یک پسر بود که در زمان فوت دادفر، دختر بزرگ کلاس سوم راهنمایی و تنها پسرش کلاس چهارم ابتدائی و فرزند سوم او یعنی دختر کوچکش تنها ۴ سال داشت و هنوز به درستی طعم پدر داشتن را نچشیده بود و از الطاف بی‌کران سایه پدر برخوردار نشده بود که سایه پدر را از دست داد.

یادش بخیر و روانش شاد باد.
تاکنون اثر قابل توجهی که به پژوهش در مطبوعات ایران بپردازد، منتشر نشده است. صرف نظر از اثر گرانقدر و پر بار مرحوم صدرهاشمی با عنوان «تاریخ جراید و مطبوعات» که در زمان خود به عنوان گام نخست اثر ارزنده‌ای است نیاز مبرم به تاریخ تحلیلی مطبوعات بیش از پیش احساس می‌شود. پژوهش در مطبوعات ایران مستلزم شناخت پیشینه این وسیله ارتباط جمعی است و یکی از راه‌های اساسی شناخت آن مراجعه به اسناد و مدارک مربوط به تاریخ ۱۶۰ ساله مطبوعات و بررسی نسخه‌های قدیمی و نایاب نشریه‌های کشور است.

امروزه کسی منکر اهمیت اسناد و مدارک در مطالعات و تحقیقات به ویژه مطالعات تاریخی نیست و نشریه‌های قدیمی در میان اسناد و مدارک اهمیت

تصورات ما نقش فعالی را دارند.

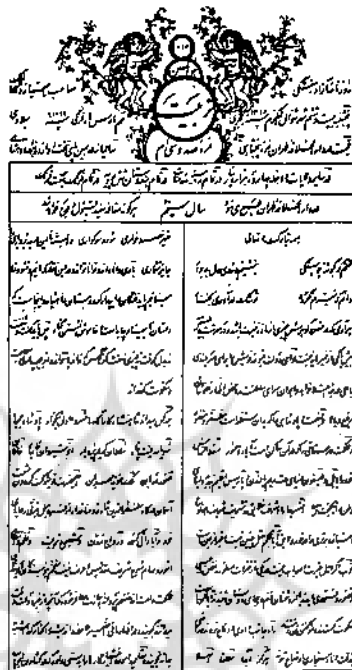
از خلیل این دست‌اندرکاران، کسانی چون آماده‌سازان متن برای چاپ، ناظر فنی چاپ - که کیفیت چاپ در واقع برعهده اوست و فقط در موقع قصور پای ایشان در محکمه به میان کشیده می‌شود آنهم طبیعی است که برای جریمه نه برای تقدیر و تشکر - و بازهم کسان دیگری همچون رانندگان شریف ادارات و مؤسسات که به هیچ وجه جایی برای تشکر و قدردانی از آنان در بین نیست و این مقدمه فقط برای ذکر این دسته از دست‌اندرکاران تهیه و توزیع کتاب رقم زده می‌شود.

روانشاد حمید دادفر از جمله کسانی بود که مدت ۳ سال افتخار همکاری او را داشتم. فرد متقی و با ایمان و در انجام امور محوله ساعی و کوشا بود و جان عزیز خود را نیز در همین راه گذاشت. بارها و بارها در خدمتش به چاپخانه‌ها سر زده بودم و باز چندین بار در معیتش به شهرستان قم جهت پیگیری کارهای چاپی رفته بودم و گاه با دیگر همکاران. آخرین بار در تاریخ ۲۷/۱۴/۷۷ روز دوشنبه برای انتقال «جلد اول روزنامه تربیت» که از جمله کارهای احیاء میراث مکتوب در کتابخانه ملی بود به شهرستان قم رفت، سفری که دیگر بازگشتی برای او نبود. شادروان حمید دادفر که خدایش بیامرزد در بازگشت از قم رانندگی می‌کرد و بر اثر نقص فنی ماشین، که منجر به واژگون شدن وسیله نقلیه و پرتاب شدنش از ماشین به بیرون، توأم با ضربه مغزی و نتیجه آن خونریزی مغزی بود، در بیمارستان «هفتم تیر» قبل از آنکه راهی اطاق عمل شود، «پا از دایره هستی بیرون نهاد» و مرگب چاپ روزنامه «تربیت» را خونین کرد.

پس از درگذشت حمید دادفر بود که انگاره‌ها و باورهای من باطل شد، باور اینکه سن تنها نیستم و اجر حقیقی از آن دادفرها است در سوگ و ماتم او نشستیم، سوگ و ماتمی که جز نوحه‌سرایی کاری از دستمان بر نمی‌آید و فقط این باور که یکی از یاران صمیمی و ساعی خود را در راه احیاء میراث مکتوب از دست داده بودیم، جانشین باورهای عبث و باطل من شد.

چا دارد که از همسفر دیگر روانشاد حمید دادفر نیز نام برده شود از آقای پرویز بختیاری که سحرگاه روز دوشنبه چهاردهم اردیبهشت همسفر دادفر بود که خوشبختانه از آن حادثه جان سالم بدر برد با وجودی که عزیزی را از دست دادیم، جای بس خوشوقتی بود که او را صحیح و سالم دیدیم و در آن سفر مرگبار او بود که دادفر را به بیمارستان منتقل کرد و از آنچه در توان داشت برای بستری شدن او کوتاهی نکرد، افسوس که ثمره اقدامات او جز ناکامی چیزی نبود.

روزنامه تربیت که نخستین شماره آن به تاریخ پنجشنبه یازدهم رجب ۱۳۱۴ هـ ق به قطع ۲۱×۵/۳۳ در ۴ صفحه به مدیریت فروغی ذکاءالملک و خط میرزا زین العابدین ملقب به ملک الخطاطین قزوینی و با چاپ سنگی در تهران انتشار می یافت با شماره ۴۳۴ پنجشنبه بیست و نهم شهر محرم الحرام سنه ۱۳۲۵ هـ ق برای همیشه تعطیل شد.



نخستین شماره روزنامه تربیت از شماره ۶۸ به تاریخ ذکر شده، منتشر شده است یعنی قریب به ۸ ماه جلوتر از «خلاصه الحوادث» نشریه «تربیت» اقدام به نشر روزانه کرده است و خود فروغی در این باب می نویسد:

... پس از این روزنامه تربیت چون گل های نوروژی هر صبح شکفته و هر روز مشام جان مشتاقان فضل و کمال و طالبان آگاهی و معرفت را معطر می نماید و خبرهای خوش به دور و نزدیک می دهد. (ش ۶۸، ۱۱ ذیقعدة ۱۳۱۵ ق. ص ۱).

سال سوم: ۵۰ شماره از ش ۱۳۰ - ۱۷۹ به تاریخ ۲۶ شوال ۱۳۱۶ الی ۱۳ ذیقعدة ۱۳۱۷ ق.

از سال سوم، نشر روزنامه به روال قبلی خود یعنی هفتگی برگشته و به صورت هفته ای یک شماره نشر آن ادامه یافته است.

سال چهارم: ۴۴ شماره از ش ۱۸۰ - ۲۲۳ به تاریخ ۵ ذیحجه ۱۳۱۷ الی ۱۷ شوال ۱۳۱۸ ق.

سال پنجم: ۴۹ شماره از ش ۲۲۴ - ۲۷۲ به تاریخ ۲۱ ذیحجه ۱۳۱۸ الی ۲۷ رجب ۱۳۲۰ ق.

لازم به ذکر است که ۸ شماره این سال (ش ۲۴۸ - ۲۵۵) با صفحه آرانی متفاوت و بدون خط حاشیه (جدول دور صفحه) نسبت به شماره های دیگر نشر یافته است. سال ششم: ۲۷ شماره از ش ۲۷۳ - ۳۰۹ به تاریخ ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۰ الی ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۱ ق.

توضیح آنکه انتشار نشریه با ۵ ماه تاخیر و با تغییر حجم صفحات و افزایش از ۴ صفحه به ۸ صفحه با حجم مطالب بیشتر نسبت به شماره های قبل فعالیت سال ششم را شروع می کند.

سال هفتم: ۴۴ شماره از ش ۳۱۰ - ۳۵۵ به تاریخ ۱۳ محرم ۱۳۲۲ الی ۹ محرم الحرام ۱۳۲۳ ق. با یک دهه تعطیلی طبق سنت قدیمی برای عزاداری ایام محرم نشر می یابد.

سال هشتم: ۴۹ شماره از ش ۳۵۶ - ۳۹۴ به تاریخ ۷ صفر ۱۳۲۳ الی ۹ ذیقعدة ۱۳۲۳ پس از یک وقفه کوتاه در آغاز سال نشر یافته است.

سال نهم: ۴۰ شماره از ش ۳۹۵ - ۴۳۴ به تاریخ غره ربیع الاول ۱۳۲۴ الی ۲۹ محرم ۱۳۲۵ ق. سال نهم نشریه سال پایان فعالیت آن نیز هست. درباره تعطیل نشریه تربیت، نشریه معارف (ش ۱۶ سال اول به تاریخ ۱۲ صفر ۱۳۲۵ ص ۷ و ۸) چنین می نویسد:

... چند روز قبل روزنامه تربیت نمره ۴۳۴ که نمره آخر از سال نهم آن است مطالعه نموده از صدر و ذیل و بیان حال و اعلانی که در اواخر روزنامه نموده بودند بی اندازه متأثر شدم، مخصوصاً اعلان ذیل خیلی دل مرا

نیافت، اما نام فروغی به عنوان نخستین روزنامه نگار غیردولتی در تاریخ مطبوعات کشور بر جای ماند. ضروری است توجه و عنایت دانش پژوهان و علاقه مندان در بهره برداری از مجموعه حاضر (تربیت) به نکات ذیل جلب شود:

۱. حد فاصل شماره ۳۲۹ تربیت که به صفحه ۱۷۰۸ ختم و شماره ۳۵۰ (در سال هفتم) با صفحه شماره ۱۷۱۳ شروع می شود، ۴ صفحه اختلاف شماره شمار دارد.
۲. شماره ۳۸۴ که می بایست با صفحه شمار ۱۹۸۵ شروع شود، صفحه شمار ندارد و شماره ۳۸۵ (سال هشتم) با صفحه شمار ۱۹۸۵ شروع شده و از صفحات ۲ تا ۸ با ذکر صفحه شمار ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۲ نمره ۳۸۴ آمده است.
۳. شماره ۳۸۶ (باز در سال هشتم) با صفحه شمار ۲۰۰۱ شروع شده که ظاهراً دست اندرکاران نشریه تربیت خواسته اند اصلاحی در اشتباه پیش آمده به عمل آورند.

۴. حد فاصل شماره ۴۲۸ که به صفحه شمار ۲۳۳۴ ختم و شماره ۴۲۹ (سال نهم) که با صفحه شمار ۲۴۴۵ شروع می شود، ۱۰۰ صفحه اختلاف صفحه شمار به وجود آمده است.

۵. با توجه به اختلاف صفحه شمار در نسخه اصلی که به صفحه ۲۴۹۲ تمام می شود، در تجدید چاپ اصلاح و بنابراین صفحه پایانی در تجدید چاپ به صفحه ۲۳۸۸ پایان می یابد.

مجموعه حاضر (جلد اول) شامل ۲۱۱ شماره در ۹۱۲ صفحه (۶۴ ص. مقدمه + ۸۴۸ ص. متن) از مجموعه ۴۳۴ شماره ای تربیت را در بردارد که با مقدمه جامع و فاضلانته آقای سید فرید قاسمی نکات مهیوم و تاریک حیات مطبوعاتی روزنامه را روشن می سازد که اجرشان مآجور باد.

مجموعه حاضر از کیفیت چاپی خوبی نیز برخوردار است و برای نخستین بار کتابخانه ملی با همکاری آقای سید فرید قاسمی در مقام مقدمه نویسی، شناسنامه «مشخصات کامل» تربیت را پس از مقدمه و به دنبال آن فهرست مندرجات نشریه را نیز آورده که راهگشای خوبی برای دستیابی به مطالب نشریه است. و امید آنکه مسؤولان و دست اندرکاران احیاء میراث مکتوب به وعده خود در پیشگفتار عمل کرده و دو مجلد دیگر را در سر موعد وعده داده شده منتشر سازند.

پانویس:

۱. بخش اعظم این نوشته از میان مطور مقدمه نشریه تربیت به قلم رسا و شیوای آقای سید فرید قاسمی تلخیص شده، امید آن است که در نقل و قول نهایت دقت و امانت را رعایت کرده باشم.

اعلان اداره تربیت

چون در این اوقات حال اداره تربیت به درستی معلوم نیست و معین آنکه در اوائل سنه آتیه قوی ثیل ما روزنامه نخواهیم داشت از مدیران محترم جراید درخواست می کنیم آن روزنامه هایی را که به عنوان مبادله به اداره تربیت ارسال می فرمایند نفرستند؛ زیرا که عوض آن را نداریم و این فقر اسباب شرمندگی است، اگر روزنامه تربیت به خواست خدا باز دایر شد و از طبع خارج گشت و دیدند آن وقت در ارسال و عدم آن مختارند. انتهی.

پس از آن نویسنده مطلب ادامه می دهد: ... خوب است ازیاب معرفت و غیرت وانسانیت و حامیان ترقیات بشر اندگی در این معنی غور و تأمل نموده و از وضع بدبختی وطن خود اشک خونین ریزند، چه شد این درخت کهن و تناور که آشیان مرغان خوش الحان و سایه فکن بر سر غزالان بوستان بود برگ خود فرو می ریزد و صفای این بوستان را به کدورت می آمیزد خوب است که دیگر بیلان بر این ترانه نیانگیزند و غزالان از این دشت مخوف بپرهیزند. آخ، آخ امروز روزی است که باید بازار معارف را رونق و رمق فزاید و درهای خوشبختی به روی ایرانیان گشاید، از چه روی این باب معرفت را خواهند بست و قلب ما را خواهند شکست. علی رغم این گونه نوشته ها پس از آن تربیت نشر